ایران طنز
http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

این دیالوگ‌های تکراری

قیمت نجومی مسکن

مرتضی قربانی

مرحله قبل از اول

+سلام ۲۰۰ میلیون با ماهی ۴ میلیون چه موردی دارین؟
-یک مورد هست طبقه چهارم بدون آسانسور ۲۵۰ میلیون رهن ماهی پنج میلیون
+همین رو اوکی کن برای ما
-چی اوکی کن؟ بریم یه جای دیگه بپرسیم
همین هم از دستمون می‌پره‌ااا طبقه چهارم بدون آسانسور چه اشکالی داره؟ پزشکا گفتن پله نوردی برای زانو خوبه! در عوضش وقتی مهمون بیاد می‌تونیم تا وقتی برسه بالا خونه رو تمیز کنیم! (لبخند ملیح پر از غصه)
-فقط این محله نیست باید یکم برید پایین‌تر؟
+مثلاً چقدر؟
-۲۰ کیلومتر!
حالا کمی پایین شهر هم بود خوبه مردم پایین شهر معرفتشون بیشتره!
+فقط صاحبخونه‌اش راضی میشه ۲ ساله قرارداد ببندیم؟
-اگه مستأجرهای خوبی باشین شاید سال دیگه با قیمت جدید تمدید کنه.

مرحله اول

+آقا یه تخفیفی بده بهمون
-باور کن الانم دارم مفت میدم خونه رو همین الان مشتری اومده یک میلیون از شما بیشتر اجاره میده!
+دمت گرم آقا بنویس قولنامه رو!

مرحله دوم

خانم این کارتن موزی‌های سال پیش رو الان می تونیم چند برابر بفروشیم و پولدار بشیم! میدونی دونه چند شده اصن؟
چسب پهن چقدر گرون شده، کارتن‌ها رو با طناب ببند دیگه.
اون ماژیک رو بده، چرا تو کارتنی که پارسال نوشتم شکستنی چیز دیگه گذاشتی؟
سرویس چوبمون رو امسال باید عوض کنیم، تو این اسباب کشی‌ها از چند جا شکسته!
تورو خدا این کتابا رو رد کن بره، هرسال دم اسباب کشی کمرمون میشکنه اینارو بسته بندی می کنیم این باربرا هم همش غر میزنن.
ای بابا این وسایل بچه‌ها رو کجا بریزم؟ کاش میشد بریزمشون دور!
بچه اینقدر تکون نخور، میزنی می شکنی یه چیزی رو!
راستی این پیچ تخت رو یه جایی بذار گم نشه پارسال تا دوماه فقط دنبال پیچاش می گشتیم!
این لامپا رو یادت نره، پارسال کلی پول لامپ دادیما
قبض‌ها رو رفتی تسویه کنی؟ دوباره طرف نیاد ادعا کنه بگه سهم شماست.
من زودتر میرم خونه جدید یه آب و جارو کنم شما هم با دقت نگاه کن چیزی جا نذاری

مرحله سوم

یعنی چی برای بردن گاز میخوای ۱۰۰ هزارتومن بگیری؟ همه رو باهم گفتی ۳ میلیون دیگه!
دبه در نیار تورو خدا اول گفتی ساعتی اینقدر کلاً بخوای ببری ۳ میلیون!
چی؟ برای یخچال هم میخوای جدا پول بگیری؟ ندارم بخدا، چرا همون اول نگفتی؟ حالا که نصف وسایل رو بار زدی میگی؟
خدایا مارو از این جماعت اسباب کش نجات بده...

مرحله چهارم

اون کارتن رو ببر اون اتاق
ای وای اینارو چرا آوردین بالا اینا باید می‌رفت انباری.
پاشو برو کمکشون کن خودتم وسایل رو بیار بالا زودتر تموم بشه
آخ ببین ساعتمون شکسته، صد بار گفتم با ماشین خودت بیار.
خانوم پایه این میز تلویزیون از قبل شکسته بود یا الان شکسته؟
ای بابا کولرش چرا خرابه اینجا گفت همه چیش سالمه که!
استکانارو کجا گذاشتی یه سینی چای بریزم ببرم برا کارگرا؟
وای تا یک ماه باید فقط اینجارو تمیز کنم!
چرا آنتن نمیده اینجا!
با هر کدوم از این دیالوگ‌ها میشه ساعت‌ها اشک ریخت آقای قاضی!
با این قیمت اجاره‌ها باید ۳ شیفت کار کنیم تا وسایلمون تو خونه استراحت کنن آقای قاضی
مثلاً شب که میرسیم حتی فرصت نمی کنیم که در یخچال رو الکی باز و بسته کنیم!
اصلاً وسایل خونه که نصف شب قولنجشون رو می‌شکنن دلمون میخواد بریم سراغشون و بگیم از صبح اینجا تمرگیدی حالا برای من هم خستگی در می‌کنی؟
اصلاً ما به جهنم آقای قاضی
مالیات خونه‌های خالی چی شد؟
مالیات اجاره بها چی شد؟
مسکن مهر؟
اگه امسال درست نشه سال دیگه باید جمع کنیم از ایران بریم آقای قاضی

کارتونیست: فاطمه ندیمی

یادداشت‌های راهنمای بایدن

سر پیری و مملکت‌گیری

محمّدرضا رضایی

اخیراً عکس‌هایی از متن سخنرانی‌های بایدن منتشر شده که مشخص کرده است برای وی جزئی‌ترین کارهای زندگی معمولی یک انسان را هم می‌نویسند که یادش نرود. حالا کاری نداریم پیرمرد سنسور تشخیصش خراب شده و موقع سخنرانی همان‌ها را هم از روی کاغذ می‌خواند. بیشتر می‌خواهیم ببینیم برای بایدن چه یادداشت‌هایی روی در و دیوار کاخ سفید می‌زنند.

یادداشت روی تختخواب: صبح به خیر؛ برای اینکه زنده بمونی باید نفس بکشی. هوا رو بکش تو، بعد بده بیرون. تا وقتی که دوباره بیای بخوابی همین کار رو باید پشت سر هم تکرار کنی.

یادداشت روی میز صبحانه: عه! اینجوری می‌شینن پشت میز؟ دست و رو نشسته؟ نه! خیلی کار بدیه؛ اول برو دستشویی، بعد دست و صورتت رو بشور. مثل اون دفعه شیر آب سرد و داغ رو اشتباه نگیری‌ها، دیگه پماد نداریم.

یادداشت روی در دستشویی: لامصّب با دمپایی دستشویی نیا بیرون، همون تو باید درشون بیاری. حوله هم اونجا آویزونه، اول خشک کن.

یادداشت روی میز صبحانه: کره رو بمال روی نون؛ چرا می‌ندازیش تو لیوان قهوه؟... نه دیگه، با دست درش نیار چندش.

یادداشت روی میز کار: چرا یک ساعته داری با کره زمین روی میز بازی می‌کنی؟ کلّ کار امروزت همینه که اون بیست تا نامه روی میز رو امضا کنی؛ اونم یادت میره؟

یادداشت روی پرونده: امضات اونجوری نیست اصلاً؛ اون خطّه رو باید از بالا بکشی زیر حرف آخر... نه اونجوری نه، دارم می‌گم از بالا... ای بابا ولش کن، تو همون انگشت بزنی هم قبوله.

یادداشت روی در جلویی ماشین: از این در نباید سوار شی، جلو بشینی با دکمه‌های ماشین ور می‌ری، چپ می‌کنیم. برو آخرین در رو سوار شو.

یادداشت روی صندلی ماشین: اینقدر با اون دکمه شیشه بازی نکن... هی محافظا! یکیتون تا رسیدن به مقصد، دستای بایدن رو سفت نگه داره.

یادداشت روی پشت محافظ جلویی: الآن داری می‌ری دیدار، ولیعهد عربستان. یه جوری باهاش حرف بزن انگار نوکر خونه‌زادتون بوده. باز ندوی سمتش که ازش شیر بدوشی؛ این یه اصطلاحه، آدما شیر واقعی تولید نمی‌کنن.

یادداشت روی پیشانی مترجم دیدار: پاهاتو بکن تو کفش بابا؛ کل محل ملاقات رو بو برداشته. مگه دیشب نگفتم جورابات رو بشور؟

یادداشت روی درب خروجی محل ملاقات: یکم دیگه عادی رفتار کن، خبرنگارها رو رد کنیم، بعدش تو ماشین راحت باش.

یادداشت روی پلّکان کاخ سفید: چرا از پلّه می‌خوای بری؟ آسانسور رو واسه تو قُرُق کردن... اوناهاش پشت سرت؛ اون اتاقکه اسمش آسانسوره.

یادداشت روی درب کمد: لباست رو که درآوردی، حتماً مسواک بزن، بعد بگیر بخواب.

یادداشت روی تختخواب: نگفتم مسواک بزنی؟ برو مثل بچه آدم مسواکت رو بزن، وگرنه فردا از یادداشت‌های اینجوری خبری نیست؛ خودت باید تنهایی از پسش بربیای.

یادداشت روی بالشت: برق رو هم خاموش کن.

مشت‌ومال شهریه مدارس

زگهواره تا گور، دانش بجوی

...بعدِ دو سه ساعت که مرا کاشته‌اند
از نرخ جدید پرده برداشته‌اند
چون شهریه را نداده‌ام، توی حیاط
ماشین مرا گِرو نگه داشته‌اند!

امیر یزدی قزوینی

درس تو درآورده ز بابات دمار
از دست تو خون میل کنم مثل انار
چون مبلغ تحصیل تو در می‌آید
هر لحظه حدود یکصد و شصت دلار

حسن اویسی

کاری‌ست پر از خطر، ولی مُهلک، نه
«دو» کلیه لاکچریست، اما «یک» نه!
در مدرسه راه می‌دهندم از «مهر»
بی«کلیه» آری و ولی بی‌چِک نه!

فهیمه انوری

من از شهریه گشته‌ام زردروی
سفیرم به اسنپ به هر سمت و کوی
غلط میکنی در پی ورزشی!
ز گهواره تا گور، دانش بجوی

مهنا صادقی

دخترم اینجا مگر چون خانه نیست؟
پول بابا را بیاور چانه چیست؟
هرکسی مثل تو سفت است و خسیس
می‌خورد خط از کلاس درس و لیست

ابراهیم صفائی

آمد نشست و گفت پسرجان: «ببین پدر،
کردم نه ترک مدرسه صرفاً، که دفع شر!
بخشِ مفید «علم» دودوتا چهارتاست
باقیِ به صرفه نیست به «ثروت» زنَد ضرر»

محمد عظامی

شیر توشیر!

فائزه هاشمی: افرادی که کشف حجاب می‌کنند به من می‌گویند «شیرزن!» من هم به آن‌ها می‌گویم شیرزن!

سیدمحمدجواد طاهری

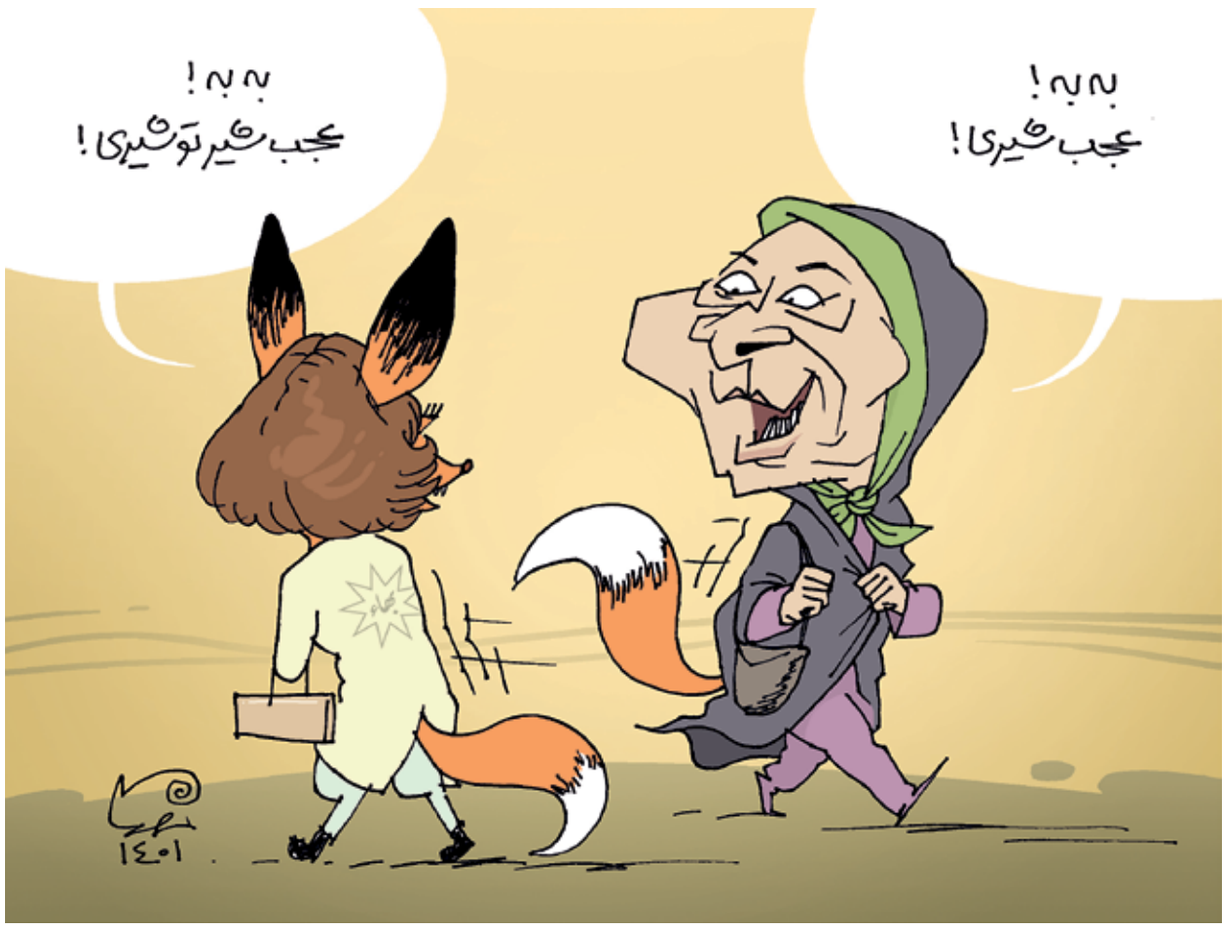

اگه ژاپن توی ایران بود

محمد کوره‌پز

انتشار خبر ترور شینزو آبه واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به‌دنبال داشت.

یکی از فعالان سیاسی اپوزیسیون ژاپن در این باره گفت: «برجام رو احیا نمی‌کنید همین میشه دیگه.» وی همچنین افزود: «شعار مرگ بر این و آن و قطع روابط با عالم هستی باعث میشه عالم هستی هم روابطش رو با شما قطع کنه.»

شونصد و دوازده نفر از سلبریتی‌های ژاپن در اقدامی غیرهماهنگ در استوری‌های خود به مرگ آبه واکنش نشان دادند. این افراد نوشتند: «اصلاً این مملکت نفرین شده‌اس. اون از جنگ جهانی دوم اینم از این.» این سلبریتی‌ها همچنین افزودند: «همین روزا میذارم از این خراب شده میرم.»

گزارشگر ژاپن اینترنشنال نیز با ارسال ویدیویی در این باره گفت: «سلام، اینجا بازار توکیوئه. همونطور که می‌بینید نه تنها کسی توی سر و صورت خودش نمیزنه بلکه حتی مردم دارن خرید هم می‌کنن. این نشون میده مردم از اعدام انقلابی شینزو آبه سپاهی خیلی هم خوشحالن.»

رانندگان تاکسی خط میوشی-چوسوکابه هم با تأکید بر اینکه این «کار خودشونه» با «کار خودشونه»های قبلی فرق می‌کند در پاسخ به این سؤال که «چه فرقی می‌کند؟» تأکید کردند: «ساده‌ای به قرآن. خبر نداری دنیا چه خبره. پیاده شو جلوتر نمیرم.»

گفتنی است برای هشتمین شب پیاپی مردم توکیو با تجمع در خیابان‌های اطراف محلی که رژیم ژاپن مدعی است ترور آبه در آنجا اتفاق افتاده، علیه خبر فوت وی شعار دادند. تجمع‌کنندگان اعلام کردند مثل روز روشن است که آبه زنده است. آنها تأکید کردند که اگر راست می‌گویید خودش را بیاورید توی تلویزیون اعلام کند که مرده.

اخبار و تصاویر زیادی رسیده که نشان می‌دهد شینزو آبه در دوبی زنده دیده شده است. گفتنی است انتشار تصاویر مشابهی از نیویورک، مسکو، پاریس، لندن، جزایر گالاپاگوس، بازار تجریش و... نشان می‌دهد وی علاوه برضدگلوله بودن، طی‌الارض هم دارد. تحلیلگر بی‌بی‌سی ژاپنی در این باره گفت: «تعدد این تصاویر نشان می‌دهد وی حتماً زنده است و رژیم دارد مرتب او را جابه‌جا می‌کند.»